بسمه تعالی

قرآن جعبه نور (Lux light box) نهاد اسلام. قسمت ششم

(تاریخ نشر ۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ برابر با ۲۷ ام ماه مبارک رمضان ۱۴۴۳ ه.ق. تاریخ بازبینی دوم ۱۴۰۱/۲/۱۲)

این روز و شب با من نوشت

هر آیه را خوانا نوشت

دائم خدا از بر نوشت

هر خانه را یک نام نوشت

در نامه ائی والا نوشت

در آیه ائی دانا نوشت

از رهگذر راحت نوشت

ورنه کجا آسان نوشت

تاب آوردید آمد نوشت

با گفتمان برنا نوشت

شاهد سفر، سارا نوشت

فارغ سفر، با من نوشت

ای مردمان مردم نوشت

ای راویان راحت نوشت

این خلوتی است با خود نوشت

واجب نبود واجب نوشت

هم مومنین هم مومنات

هم زاهدین هم راغبین

هم شاهیدن هم شاعرین

با هم نوشت با خود نوشت

این دولتی است بر من نوشت

هم صحبتی صبح ها نوشت

بر علم رسید زدنی نوشت

بر خود رسید ضمنی نوشت

این دیده است دیدار نوشت

باید خدا باید نوشت

روز سخت قیامت و خطاب به جهنمیان: درخواست مرگ چند باره بکنید

(۱۴۰۰/۱۱/۱۱)

- لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا- (روز قیامت) به آنان می گویند امروز یک بار درخواست مرگ نکنید، بلکه بسیار درخواست مرگ کنید (فرقان/۱۴).
- وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا*الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا- و (یاد کن) روزی که آسمان با ابر از هم شکافته و فرشتگان با سرعت تمام (به امر حق) فرود آیند فرمانروایی مطلق در آن روز از آن خدای رحمان است، و بر کافران روزی بسیار دشوار است (فرقان/۲۶-۲۵).

یعنی نیمچه قدرت و اختیاری که در زمین داشتند و به مال و فرزند و قدرت و باندشان می نازیدند اینجا دیگر از این اهرم ها خبری نیست. دیگر کسی از جبر و اختیار صحبت نمی کند. زیرا روز دادگاه است. همه به ذره ذره اعمال خود باید پاسخگو باشند. آنهم پس از یک خواب چند میلیون سالی! یا نیمه خواب دوران برزخی. با یک حضوری سرافکنده و سراسیمه نهایتا کفنی بر تن!

ببینید چه روزی است

بمیرید بمیرید

هزار بار بمیرید

به جان رعشه بیفتد

به ابر سایه بیفتد

همه صف به صف ایستند

ملائک به در ایستند

زعامت به تو گوید

رذالت به تو ماند

کتاب مبین

(۱۴۰۱/۱/۱۸ برابر با پنجم ماه مبارک رمضان)

- وَ ما مِنْ غائِبَةٍ فِی السَّماءِ وَ الْأَرْضِ إِلّا فِی کِتابٍ مُبِینٍ- و در آسمان‌ها و زمین هیچ رازی نیست، مگر آن‌که در کتاب مبین آمده است (نمل/۷۵).

پرسش کتاب مبین چیست؟ و کجاست؟

می گویند: مبین یکی از صفات قرآن است. اما به ترجمه و تفسیر آیه فوق که می رسند آن را مترادف با کتاب/ علم الهی (الهی قمشه ائی)، کتابی روشن چون لوح محفوظ (انصاریان)، نامهای آشکار (علامه طباطبائی) می دانند. به این ترتیب آن کتابی است در نزد خدا که به کسی عرضه نشده است و اگر شده مقداری از آن در قرآن است. بعضا هم می گویند منظور از کتاب مبین علم پروردگار است. بعضا هم با ام الکتاب، لوح محفوظ و کتاب مبین را یکی می گیرند.

خلاصه می مانند و چرا می مانند من نمی دانم. کافیست بپذیریم قرآن کتاب خداست. جامع علم خداست. آشکار شدن همه اسرار آن برای بشر تا روز قیامت ناممکن است و اگر با اسامی مختلف آمده است یک سطح از سطوح همین قرآن است. بلی قرآن معجزه کلام خداست. تجربه هر فرد این را ثابت می کند که هر بار و در هر سن رشد یک وجهی از آن بر او آشکار می شود.

راز این کتاب را کسی جز خدا نمی داند

پیامبر اندکی می داند

انبیا اندک تر می دانند

اولیا کمتر از این می دانند

رمزی که محفوظ است

مکتوب است

مکنون است

منظوم است

مختوم است

کنایه از آن منظور است

از مجازات های خدا: صیحه یا دچار موج زدگی یا موجی شدن

(۱۴۰۱/۱/۲۶ برابر با سیزدهم ماه مبارک رمضان)

در چند جای قرآن به کلمه صیحه اشاره شده است: یکجا مثل موارد زیر به عنوان مجازات رعشه برانگیز است. در جاهای دیگر فریاد مرگبار روز قیامت است (مَا یَنْظُرُونَ إِلّا صَیْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ یَخِصِّمُونَ- اینان جز یک فریاد مرگبار [آسمانی] را انتظار نمی کشند که آنان را در حالی که سرگرم مجادله و ستیز [در امور دنیایی] اند فراگیرد. یس/۴۹).

در مورد مکافات عمل، آیات زیر برجسته هستند:

فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ- ما هر طایفه‌ای را به میزان گناهاشان مؤاخذه کردیم، پس بر بعضی از آنان باد شدید همراه با سنگریزه فرو فرستادیم (مانند قوم هود و لوط)، و بعضی از آنان را صیحه‌ی آسمانی (و بانگ مرگبار) فرا گرفت (قوم ثمود و اهل مدین)، و برخی را در زمین فرو بردیم (مانند قارون)، و بعضی دیگر را غرق کردیم (مانند قوم نوح و فرعون و فرعونیان)، و این خدا نبود که بر ایشان ستم کرد بلکه خودشان بر خود ستم می کردند (عنکبوت/۴۰).

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ- کیفر قومی که دو پیامبر اول را تکذیب کردند. پیغمبر سومی را هم که برای مدد و نصرت دو رسول قبلی آمده بود باز تکذیب کردند. نفر چهارم هم که پیغمبر نبود اما مدافع حق بود و از مواضع بح حق هر سه پیامبر دفاع می کرد، کشتند! (آیات ۱۴ و ۲۰ و۲۵ سوره یس. مراجعه شود به نوشته خوب ترین هائی که رفتند در همین سایت) خدا هم چاره ائی ندید الا ایجاد یک فریاد مرگبار که ناگهان همه بی حرکت و خاموش شدند! (یس/۲۹).

در تفسیر اثنی عشری (حسینی شاه عبدالعظیمی) آمده است: عذاب به هوا که صیحه باشد نسبت به قوم ثمود، زیرا صدا عبارت باشد از تموج هوا و رسیدن آن به پرده گوش که سماخ است؛ و صیحه صدای مهیب عظیم باشد که از شدت هولناکی به محض شنیدن زهره را آب و به یک مرتبه قوم را هلاک نمود.

موج‌گرفتگی (Shell shock) واکنشی است به شدت بمباران و امواج انفجار ناشی از آن که باعث نوعی آسیب در قشر خاکستری مغز می‌شود و فرد موجی دچار اختلال هایی در رفتار و همزیستی با دیگران می شود. موارد مختلف موج‌گرفتگی را می‌توان به عنوان یک آسیب جسمی یا روانی تعریف کرد.

شاید موج گرفتگی بدترین مجازات خدا باشد که تا آخر عمر فرد را از کیفر اعمال ناپسند خود رها نمی کند.

موج گرفتن بد است

موج نخوردن صد است

فاصله ها هم کم است

موج ز خود رفته نیست

موج ز خود بسته است

صیحه به این صورت است

پرده گوش ات برد

وز وز گوش ات کند

جسم رهایت کند

روح تمام ات کند

خسته مفرط کند

گوشه زندان کند

هر عددی یک عذاب

این عدد از صد عذاب

خوش ندارد خدا

کیفر خود کرده است

رنج جدا کرده است

وعده قاطع خدا: یاری کردن مؤمنان بر ما فرض است

(۱۴۰۱/۱/۳۱ برابر با هیجدهم ماه مبارک رمضان)

وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ- یاری مؤمنان حقّی بر عهده ماست (روم/۴۷)

چه وعده زیبائی! با طراواتی، امید بخشی، رو به جلوئی.

آیه تمام امید. آیه تمام نصرت. آیه ضد یاس و نومیدی. حتما خدا با این وعده محکم و استوار در این نزدیکی هاست.

خدا تو فرمان بده

من فرمانبرم

امیدم به توست

امیدم تراست

ترا از خداست

من هم با خدا

مرا در زمین طاعت بده

طاقت بده

عزیمت بده

هزیمت مده

به ما از غیب خود نصرت بده

هم آوای ما سرعت بده

نماز ناز ماست

نیازات بده

کمالات بده

در این ماه خوب ماه و انجم بده

کیاست سیاست به ساعت بده

بهائم مده

علائم بده

طلیعت به آن صورت زیبا بده

من هم روزه ام

روزه خوش ترین را بده

دعایم شنیدی

شنیدن بده

به من چند خبر یک خبر خوش بده

نشستم ببینم چه ها می دهی

هر آنکس که دادی به ما هم بده

به مردم به ایران بده

به اسلام بده

به ما چند نفر هم بده

شکوهت زیاد زیادت بده

کلوخ ات زیاد به دشمن بده

خلق جدید در دنیا

(۱۴۰۱/۱/۳۱ برابر با هیجدهم ماه مبارک رمضان)

خلق جدید برای خدائی که خالق علیم است در حد یک کن فیکون است:

أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَى وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ*إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ- آیا کسی که آسمانها و زمین را آفریده توانا نیست که باز مانند آنها را بیافریند آری اوست آفریننده دانا*چون به چیزی اراده فرماید کارش این بس که می گوید باش پس بی درنگ موجود می شود (یس/۸۲-۸۱).

اللَّهُ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَیْبَةً یَخْلُقُ مَا یَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِیمُ الْقَدِیرُ- خداست که شما را از ناتوانی آفرید، سپس بعد از ناتوانی قدرت و نیرو داد، آن گاه بعد از نیرومندی و توانایی، ناتوانی و پیری قرار داد؛ هرچه بخواهد می آفریند و او دانا و تواناست (روم/۵۴).

در تفسیر این آیه بیشتر مفسرین حواسشان به روند تکامل جسم و روح انسان از جنین تا پیری است. اما از این فراز که خدا هر چه بخواهد می آفریند غافل شده اند. در حالیکه جان کلام این، بخش پایانی آیه است و دانائی و توانائی غیر قابل وصف اوست. خدا خیلی جاها از خلق جدید و یخلق مایشا سخن به میان آورده است.

أَإِنَّا لَفِی خَلْقٍ جَدِیدٍ- آیا پس از آنکه ما در زمین نابود و گم شدیم باز از نو زنده خواهیم شد؟ (سجده/۱۰)

إِنْ یَشَأْ یُذْهِبْکُمْ وَیَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِیدٍ* وَمَا ذَلِکَ عَلَی اللَّهِ بِعَزِیزٍ-و اگر بخواهد شما را می برد و خلقی نو بر سر کار می آورد* که این کار برای خدا دشوار نیست (فاطر/۱۷-۱۶).

یعنی ۱) خلق جدید برای خدا در حد یک کن فیکون است، ۲) ادامه رشد و روند تکامل هزاران موجود در بستر زمان و مکان از تدبیرهای خداست، ۳) برای هر عصر و دوره ائی آدمهای مورد نظر خود را که خلفای به حق او هستند می آفریند و برای یک رسالت خاص پا به عرصه ظهور می گذارند، ۴) همچنانکه به این امور مشغول هستند برای زنده کردن و آوردن به عرصه قیامت هم خالق علیم است (یس/۸۱ و ۷۹).

باید چشم و گوش و هوش فوق العاده داشت آنها را در اطراف خود دید. قدر ایشان را دانست. خود را با آنها مقایسه نکرد. ردپای اسلاف ایشان را در گذشته تاریخ باید دید و برای آینده تاریخ نقش ویژه آنها را باید رصد کرد.

این خلقت، آسمانی است

آسایش دو گیتی است

احوال ما بلند است

اعصار ما خدائی است

هر خلقتی عزیز است

این خلقت از زمین است

هر کس که خوش درخشید

فردی که بس فرید است

فخری که سخت مزید است

دیدم که خود شریف است

آیینه است لطیف است

علم و عمل علیم است

کل قدیم قدیر است

هیچکس جز خدا نمی داند در چه سرزمینی می میرد

(۱۴۰۱/۲/۲ برابر با بیستم ماه مبارک رمضان)

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ - یقیناً خداست که دانش قیامت فقط نزد اوست، و تنها او باران را نازل می کند، و آنچه را در رحم هاست می داند؛ و هیچ کس نمی داند فردا چه چیزی از خیر و شر به دست می آورد، و هیچ کس نمی داند در چه سرزمینی می میرد؛ بی تردید خدا دانا و آگاه است (لقمان/۳۴).

خوب نه آمدن خود را می دانیم و نرفتن خود را. نه کجا مردن خود را و نه چگونه مردن خود را! پس ما چه می دانیم؟ حتی نمی دانیم بهشت چگونه جائی است؟ چه پاداشهائی برای مومنین در دنیا و آخرت در نظر گرفته شده است؟ علی الحساب:

۱. وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا–و مؤمنان را مژده ده که برای آنان از جانب خدا فضلو بخشایشی فراوان خواهد بود (احزاب/۴۷).

۲. فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ– پس هیچ کس نمی داند چه چیزهایی که مایه شادمانی و خوشحالی آنان است به پاداش اعمالی که همواره انجام می داده اند، برای آنان در روز قیامت پنهان داشته اند (سجده/۱۷).

نمی دانم اگر قرآن نازل نمی شد اطلاعات بشر چقدر بود؟ کلی آیات بهشتی در بهشت اما دریغ از تصور ما از نحوه محاسبه اعمال و معدل کل آن برای مجوز ورود به بهشت!

بهشت جای غنود است

غنود جای سجود است

به خون نور وجود است

خطوط خون حسین است

تو را خونی نبود مردار خون است

تو را پیدا نبود پنهان خون است

همه در خاک خود خون را بجویند

همه اعمال خود در خون بجویند

جوانی در بهشت انواع خون است

به خون دیدم علی خون را ستودم

به حق گفتم نبی حق را ستودم

سلایق در بهشت دنیا ستودم

علایق در زمین ذهن را ستودم

به محراب خدا خود را ستودم

مرا دیدی اگر دین را ستودم

تو را دیدم اگر خود را ستودم

الا ای مهربان مرهم نمائید

در این روز خدا مهلت نمائید

بهشت را خوانده ام پیدا نمائید

مرا در بوستان مکنت نمائید

صدا از خود نمود صورت نمائید

نسب بر ما گذاشت اصلح نمائید

خلق جدید بعد از فوت آدمی

(۱۴۰۱/۲/۷ برابر با بیست و پنجم ماه مبارک رمضان)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَى رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ- و کافران (به تمسخر و استهزاء مؤمنان، با مردم) گفتند که آیا می‌خواهید شما را به مردی (پیامبر اسلام) رهبری کنیم که شما را خبر می‌دهد که پس از آنکه مردید و ذرّات جسمتان متفرق و پراکنده گردید از نو باز زنده (خلق جدید) خواهید شد. همین کافران امروز هم هستند. آنها بدون داده و اینها با داده!

آیه ائی به این مهمی و مبتنی با علوم غیبیه و بسیار مبتکرانه و نوع آورانه که می تواند برای اثبات تکامل بعد از مرگ و تا رسیدن به روز موعود قیامت سر منشاء تحقیقات ویژه باشد و گواهی بر علمیت دین اسلام و اخبار غیبیه قرآن باشد، اینگونه به استهزاء گرفته می شود و بدبختانه تا به امروز در پی یافتن معجزه ائی از پیامبر گرامی اسلام (ص) هستند! و عامدانه و یا مغرضانه نمی خواهند به این معجزه بزرگ قرآن که نظایرش هم کم نیستند مثل حرکت کوه ها، دابه الارض و.. سر فرود بیآورند.

کلی مطلب در همین دو کلمه إِذا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ مستتر است.

معلوم است آن دنیا این دنیا نیست. زیست متفاوت است. سبک زندگی متفاوت است. زیبائی های آخرت است. حیف مسلمانها از آیات پس از گذشت ۱۴ قرن نمی توانند دفاع بکنند. تفسیرها به اینجا که می رسند متوقف اند. اساتید هم چسبیدند به فرضیه داروین و بعد آن که همه این یافته های با ارزش روی زمینی است و نه زیر زمینی و نه از زمین دنیا تا زمین قیامت. ول هم نمی کنند. در حالیکه این آیه، تکامل را پس از مرگ مطالعه می کند. فکر امروز هم نیست. بیش از ۱۴۰۰ سال قبل است. ذکر

قرآن با لبان مبارک رسول (ص) است. اینست دین علمی. تکامل پس از مرگ! (مراجعه شود به مقالات آفرینش های خدا و کاوشگری های انسان، ساعت قیامت و ساحت قیامت–جهنم و بهشت و مبدا و معاد انسان خردمند امروزی در همین سایت).

خلقت نو از نوروز است

نو از نوروز است

نوح از نوروز است

روز نو–خلق نو از نوروز است

بعد مرگ یک نوروز است

یک روز خوش با نوروز است

زیست دیگر با نوروز است

زیستن با نوروز است

دنیا یک نوروز است

قیامت کل روز است نوروز است

حساب آدم برسند، خوب برسند نوروز است

حسابرسی ترین روز خدا نوروز است

مرگ نیست با مرگ، نوروز است

لباس عافیت است، عاقبت است نوروز است

بسان عروس تن به کفن نوروز است

نیست روز دیگر از این نوروز است

خلقت نو نوروز است

آدم خوب نوروز است

به غیب باشد نوروز است

به علم باشد نوروز است

قرآن عزیز نوروز است

صلی علی محمد نوروز است

امروز ۲۵ رمضان است نوروز است

دلم به این آیات خوش است نوروز است

فرشتگانی با بالهایی دوتائی، سه تائی و چهارتائی

(۱۴۰۱/۲/۹ برابر با بیست و هفتم ماه مبارک رمضان)

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ- همه ستایش ها ویژه خداست که آفریننده آسمان ها و زمین است و فرشتگان را که دارای بالهایی دوگانه و سه گانه و چهارگانه اند را رسولان (پیمبران خود) گردانید، در آفرینش، هر چه بخواهد می‌افزاید، زیرا خدا بر هر چیزی تواناست (فاطر/۱).

نوشته اند فرشتگان با بالهای متعدده خود پیام های خدا را به صاحبان آن در اسرع وقت می رسانند و بلافاصله به مکانت قبلی خود مراجعت می کنند. یعنی مرتب صعود و هبوط دارند.

اما ننوشتند مزیت دو بال بر سه بال و چهار بال و برعکس در چیست؟ قطعا برای زیبائی صرف نیست. خدا هیچ خلقتی را بیهوده نیافریده است.

در قرآن به سه نوع آرایش بال فرشتگان اشاره شده است. اما در تفاسیر آمده است حضرت جبرئیل دارای ششصد بال بود. فرشته دیگر بنام دردائیل شانزده هزار بال دارد که فاصله میان هر دو بالش بقدر فاصله میان آسمان و زمین است (تفسیر روان جاوید (ثقفی تهرانی). که بنظر می رسد فرمایش قرآن دقیق تر است.

- باز کسی ننوشته است آیا ابلاغ پیامبرها از سوی خدا به انبیا است؟ و یا پای دیگر مخلوقات هم در وسط است؟
- آیا مراتب فرشتگان بر اساس تعداد بالهاست؟ یا مراتب پیام ها مستلزم حرکت سریع است؟
- چقدر فرشتگان خدا پیغام خدا را به دیگرانی که ما نمی شناسیم می رسانند؟ در چند نوبت؟ در چه ایامی؟ والله اعلم. قدر مسلم، طبق نص صریح آیات سوره قدر، در شب های قدر همه این فرشتگان پرنده با بالهای متفاوت سراغ هر انسان روزه داری را می گیرند. سلامی ابلاغ می کنند و دعاهائی را بالا می برند.

در مورد حضرت سلیمان (ع) هم آمده است: وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ-و باد را مسخّر سلیمان ساختیم که بامدادان یک ماهه راه می‌رفت و شبانگاه یک ماهه راه (سبا/۱۲). در ترجمه این آیه اختلاف آرا زیاد است. مثلا در تفسیر اثنی عشر ترجمه فوق شده تائید است: يغْدُوُّها شَهْرٌ: رفتن او در بامداد یکماهه راه بود، وَ رَواحُها شَهْرٌ: و رفتن او در شبانگاه نیز مسیر یک ماه بود. اما در المیزان آمده است: مسیر از صبح تا ظهر و از ظهر تا عصر آن مسافت یک ماه بود، یعنی او می توانست از صبح تا غروب به اندازه دو ماه مسافت را طی کند.

یعنی آن حضرت بدون داشتن بال صرفا به کمک باد ره دو ماهه را یک روزه طی می کرد (**شب ها تعطیل**).

به چه صورتی ظاهرا با قالیچه سلیمان یا بساط سلیمان. در قرآن از قالیچه سلیمان نام برده نشده است. اما برخی منابع تفسیری و روایی به قالیچه سلیمان و خصوصیات آن پرداخته‌اند. مثلا نوشته اند: طول و عرض بساط سلیمان از یک فرسخ (۵/۵-۵

کیلومتر) در یک فرسخ تا چهار فرسخ در چهار فرسخ بوده است. یا بر روی آن تخت سلیمان و شش هزار صندلی قرار داشته است. حضرت سلیمان با استفاده از نیروی باد صبح از منطقه شام حرکت می‌کرد و در فاصله زمانی صبحانه تا ناهار (در اصطلاح: چاشت) در منطقه اصطخر (استان فارس کنونی) در ایران توقف می‌کرد (ویکی شیعه).

خلاصه برای خودش هواپیمای پیشرفته بوده است که بشر تا به امروز به تکنولژی آن دست نیافته است. خوب اذن خدا باشد، پیامبر هم اولین خلبان دنیا باشد کمتر از این هم انتظار نیست.

در باکتریها که موجودات تک سلولی هستند حرکت توسط تاژک (اندامک های ریز ولی بلند) انجام می گیرد.

اندازه تاژک ها حداقل ۴ برابر بزرگتر از خود سلول هستند و توی تاژک ها خالی است برای سبکی بیشتر (اندازه سلول ۴ میکرومتر و تاژک ۲۰ میکرومتر).

تنوع آرایش تاژک ها روی سلول باکتری ها هم متنوع است. بعضا تک تاژکی هستند. بعضا تاژک ها در دو سوی سلول قرار دارند. در تعدادی، تاژک ها پیرامونی هستند و تمام سطح سلول می پوشانند.

در باکتریها ثابت شده است هرچه تاژک کمتر حرکت سلول سریع تر. میزان سرعت یک باکتری با تاژک قطبی در داخل آب حداقل ۵ برابر ($>100\ mms^{-1}$) بیشتر از باکتری است که دارای تاژک ها پیرامونی است ($<20\ mms^{-1}$).

همه این مقدمه چینی بر آنست که اعتراف کنیم چیزی را که نگفته اند نمی دانیم. ندانسته های ما در مقابل دانسته های ما بیشمار است. اگر خدا می خواست در همین آیه به ماهیت آنها اشاره می کرد. آنچه مردم از بال فرشتگان بر یاد دارند همین دو بال است.



این بالی که خدا داده

از حکمت خود داده

بر عصمت خود داده

دو، سه، چهار داده

بیشتر کجا داده

تا یک رقمی باشد

بیشتر پیام داده

هر یک سوا دیده

روح امین داده

هورا که او داده

از ما سوا داده

بر آل رسول داده

بر غنچه خوش داده

بر روح روان داده

بر سوی خدا داده

هر روز بگو داده

دادار به کس دیده

دادار به جمع داده

دادار به فرد داده

شاید به خواب داده

شاید مجال داده

این شدن ماست داده

این صحبت زیباست داده

عصمت بگو داده

عفت بگو داده

انجیل بگو داده

تورات بگو داده

قرآن به حق داده

هر بال دگر داده

آیات دگر داده

آثار دگر داده

این روزه مراست داده

این سوره تراست داده

والله همو داده

از دست بدست داده

از نفس به نفس داده

عدالت و مساوات

(۱۴۰۱/۲/۱۰ برابر با بیست و هشتم ماه مبارک رمضان)

عدالت مساوی با مساوات نیست. مساوات که اینقدر دنیا از آن دم می زند و بر طبل احقاق تمام و کمال آن می کوبد به معنای دادن حق برابری و رفع تبعیض است. در عدالت برعکس، مساوات شرط اولیه نیست بلکه دادن حق هر کس به اندازه ارزشهای وجودی خود است. اما اگر جامعه به هر دلیلی به سمت بیعدالتی رفت و نظام طبقاتی مهلک بر جامعه مستولی شد، باید به سمت استمرار پایه های ضروری مساوات بود زیرا التهاب جامعه به نفع مرفهین حتی عدالتخواه هم نیست.

این یک هوشمندی ویژه می خواهد که امام علی (ع) پرچمدار موفق آن است. باید در چنین جوامع دنیا زده، دین زده و جن زده خانه های فقرا و مساکین و در راه ماندگان را زد و روزی ایشان از بیت المال دودستی تقدیم کرد تا ۱) کسی از گرسنگی خوابش نبرد، ۲) تا کسی از پرخوری دچار بی خوابی بشود. هر دو بی خوابی است اما این کجا و آن کجا؟

فلذا از دید قرآن عدالت اصل است و مساوات مکمل اصل. در دراز مدت این عدالت است که اساس مساوات را بنیان می گذارد. عدالت در عمل بیشتر قابل تحقق است تا مساوات. مصادیق این سخن:

از منظر قرآن دانا با نادان مساوی نیست. مرد با زن مساوی نیست.

آب دریای شور با آب دریای شیرین مساوی نیست (وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ.....- دو دریا مساوی نیستند، این یکی شیرین و از بین برنده تشنگی و نوشیدنش گوارا و آن یکی شور و تلخ است. فاطر/۳۵).

روز با شب یکی نیست. خورشید با ماه همسان نیست. نابینا با بینا یکسان نیست. تاریکی ها با روشنایی یکسان نیستند. باد با سایه و زندگان با مردم یکسان نیستند (فاطر/۱۲و۲۲-۱۹).

از اینها مهمتر در تعریف مومن، مسلمان با مومن یکی نیست. مومن با نیمه مومن یکی نیست.

أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ- آیا کسی که مؤمن است چون کسی است که فاسق و نافرمان است. این دو یکسان نیستند (سجده/۱۸)

همچنانکه نادانان با دانایان یکسان نیستند: قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (زمر/۹).

خود خداوند خالق این سلسله مراتب است. محرک جامعه همین تعامل است. داد و ستد دو جنس است. دو وجود است. دو پریچهره است. کم بهره و با بهره است. **برتری هم اگر هست در تقوا هست.**

درون هر صفت یک جنگ سرد است

به ما پیشی گرفت از فرط فقر است

فدای هر چه حق اندرز حق است

امان از دشمنی دشنام حق است

نگاه بر من مکن مردان عشق است

سفیر سادگی ساعات عشق است

به لب گفتم سخن گفتند طناب است

به دل گفتم سخت گفتند خراب است

میان دشمنان دوری صلاح است

برای دوستان دوستی صواب است

از این ساعت مساوات هم ثواب است

ثواب بیشترین سامان داد عدل است

امام مبین

(۱۴۰۱/۲/۱۲ برابر با سی ماه مبارک رمضان)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ- محققا ما خود ما زنده می کنیم مرده‌ها را و می نویسیم آنچه را از اعمال آنها که پیش فرستادند و آنچه از آثاری که از خود گذاردند و هر چیزی را احصاء کرده‌ایم در امام بیان کننده (یس/۱۲).

آورده اند امام به معنی مقتدا و پیشواست. خواه انسان باشد یا کتاب یا غیر آن. به ریسمان بنائی هم امام می‌گویند.

بعضی دیگر گفتند نامه عمل است. بعضی گفتند مراد امیرالمؤمنین است (الطیب بیان). زیرا همه علوم در نزد اوست (تفسیر نور)

اما بیشتر تفاسیر نوشتند مراد از امام در اینجا لوح محفوظ است.

اینهم از کلمات کلیدی رمزآلود است که هر کس از ظن خود می شود یار او. مثل دابه الارض.

امام علی (ع) که نعوذبالله خدا نیست که مسلط تام بر همه علوم باشد. هیچ انسانی چنین نیست. این امام کسی جز خدا نمی تواند باشد. **شاید هسته تک تک سلولهای مغز آدمی، امام بیان کننده اعمال آدمی باشد** و شاید هم تک تک ذراتی که عمل

انسانی در حیطه قلمرو آنها رخ داده است و این ذرات مامور موظف به ثبت و ضبط آنها بوده اند. این ذرات می تواند در سطح زمین و یا معلق در هوا باشند.

منظورم این است که خدا خیلی دقیق آیات خود را ذکر می کند اما ما به ذره نمی بینم بلکه به کیلو می بینیم! نتیجه اش می شود تفسیر آیاتی به این حساسی به خطا می رود.

چگونه خدا بگوید:

فَمَنْ یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَیْرًا یَرَهُ* وَمَنْ یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا یَرَهُ- پس هر که هموزن ذره ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید و هر که هموزن ذره ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید (زلزال/۸-۷).

این ذرات باید ذره ذره ثبت و ضبط شده باشند تا به ذره محاسبه بشوند. این ضابطین خدا لزوما انسان و فرشته نیستند. همه ذرات عالم مسئول ضبط همه حوادث روزگارند. عالم محضر خداست از این منظر قابل تدقیق است.

ذرات در کارند

هر ذره تو را بیند

هر ذره تو را جوید

مردی تو را پوید

ماندی تو را بوید

پاینده تو را بوسد

راننده تو را کوبد

کودک بگو موید

نکبت تو را سوزد

بندگان خالص خدا

(۱۴۰۱/۲/۲۸)

فَکَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ* إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِینَ* وَتَرَکْنَا عَلَیْهِ فِی الْآخِرِینَ* سَلَامٌ عَلَی إِلْ یَاسِینَ*إِنَّا کَذَلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ* إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِینَ – پس قوم الیاس او را دروغگو شمردند بدین سبب برای انتقام و عذاب به محشر احضار می‌شوند* مگر بندگان پاکدین خدا* و برای او (یاسین) در میان آیندگان نام نیک به جای گذاشتیم* سلام بر إِلْ یَاسِینَ (لفّظ دیگر إلیاس است) ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. همانا او از بندگان مؤمن ماست (صافات/۱۳۲-۱۲۷).

نام نیکو از صراط است ای بشر

الیاس دارد نام نیک

عمران دارد نام نیک

هر که دارد این صراط است

چون تو داری این صراط است

در تو دیدم این صراط است

دیگران بیشتر صراط است

خط به خط دیگر صراط است

نام نیکو از صراط است

الیاس این صراط است

نیمه دارند نیم صراط است

بیشه دارند کم صراط است

السلام بر این صراط است

سایه بان با این صراط است

هر چه دیدم از صراط است

مستقیم با این صراط است

*****

کاش من هم یک نام نیکو داشتم

کاش من هم یک نامه خوب داشتم

این سئوال از خامه خود داشتم

از صراط یک نامه پنهان داشتم

امداد خدا بر حضرت یونس:

نجات او از شکم ماهی و رویاندن یک گیاه کدو با برگ های بزرگ بعنوان سایه بان

(۱۴۰۱/۲/۲۹)

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۱۳۹) فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ (۱۴۱) فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ (۱۴۲) لَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۱۴۴) فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ (۱۴۵) وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ (۱۴۶)- و در حقیقت یونس از زمره فرستادگان بود* آن گاه که به کشتی پر جمعیتی گریخت (زیرا به قومش وعده عذاب داد و آنها از دل توبه و انابه کردند و خدا رفع عذاب کرد. او به دریای روم گریخت تا نزد قوم خجل و شرمنده نرود). پس یونس با مسافران کشتی قرعه انداخت و از بازندگان شد* او را به دریا افکندند و ماهی بزرگی او را بلعید در حالی که سزاوار سرزنش بود*و اگر او به ستایش و تسبیح خدا نپرداختی* قطعا تا روزی که برانگیخته می شوند در شکم آن [ماهی] می ماند (۱۴۴) پس او را در حالی که ناخوش بود به

زمین خشکی افکندیم* و بر بالای [سر] او درختی از [نوع] کدوبن رویانیدیم تا برگهایش روی یونس بیفتد و او را از گزند حوادث در امان دارد (صافات/۱۴۶-۱۴۱ و ۱۳۹).

من خدا نور را نوشتم

قصر آدم را نوشتم

صبر ایوب را نوشتم

یوسف و یعقوب را نوشتم

یونس از ماهی نوشتم

صورت زیبا نوشتم

از کدو دولت نوشتم (امدادهای غیبی خدا بیشمار است از جمله فرستادن غذای بهشتی برای حضرت مریم (س) و پناه دادن و نور آفتاب دادن و نگهبان سگ گذاشتن بر ورودی غار جهت حفظ جان اصحاب کهف)

بر تو من رویا نوشتم

علم غیب از نو نوشتم

علم فعل بیشتر نوشتم

ای خدا

من تو را بیشتر نوشتم

کم نبود کمتر نوشتم